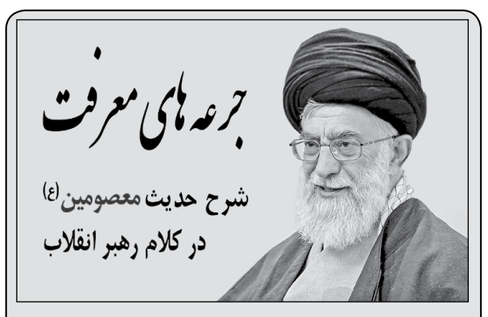

جرعه‌های معرفت

شرح حدیث معصومین(ع) در کلام رهبر انقلاب

تضرّع در درگاه الهی مانع احساس ضعف در مقابل دشمن

قالَ رَسولُ اللهِ (صَلّی اللهُ عَلَیهِ وَ آله)، قالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: یا ابنَ آدَمَ! کُلُّکُم ضالٌّ اِلّا مَن هَدَیتُ وَ کُلُّکُم عائِلٌ اِلّا مَن اَغنَیتُ وَ کُلُّکُم هالِکٌ اِلّا مَن اَنجَیتُ فَاسأَلونی اَکفِکُم وَ اَهدِکُم سَبیلَ رُشدِکُم.[1]

رسول خدا(ص) می‌فرماید که خداوند شکوهمند و بلندمرتبه فرمود: ای فرزند آدم! تمامی شما گمراهید، جز آنکه من هدایتش کردم؛ و تمامی شما نیازمندید، جز آنکه من بی‌نیازش نمودم؛ و تمامی شما نابودید، جز آنکه من او را نجات بخشیدم؛ پس از من بخواهید تا شما را کفایت کنم و به راه هدایت راهنمایی نمایم.

***

- کُلُّکُم ضالٌّ اِلّا مَن هَدَیت؛

سند طولانی شریفِ زرّین و نورانی این حدیث، می‌رسد به اینجا که خدای متعال خطاب می‌کند به امثال بنده و شما که این را بدانید، اگر هدایت الهی نباشد، کمک الهی نباشد و دل شما را، ذهن شما را به سمت حقیقت گرایش ندهد و کمک نکند، همه شما در گمراهی باقی خواهید ماند. خداوند به پیغمبرش می‌گوید: وَ وَجَدَکَ ضالًّا فَهَدی؛ و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد[2] در دعا وارد شده است که «اِلهی تَمِّ نورَکَ فَهَدَیتَ فَلَکَ الحَمدُ رَبّنا»؛[3] اگر چنانچه نور الهی و هدایت الهی و انگشت اشاره حضرت حق عزّوجل نبوده باشد، ماها در وادی حیرت و ضلالت باقی می‌مانیم. حالا باید چه کار کنیم؟

باید از خدای متعال هدایت بخواهیم. یکی از دعاهای خیلی مهم همین است. ماه رجب است و [بعد] ماه شعبان و ماه رمضان -[یعنی] ماه‌های دعا- یکی از دعاهایی که می‌کنید و می‌کنیم، باید طلب هدایت از پروردگار باشد و از خدا هدایت بخواهیم؛ اگر لحظه‌ای هدایت الهی سلب بشود، ممکن است پایمان را کج بگذاریم، ممکن است زاویه پیدا کنیم، ممکن است گمراه بشویم، ممکن است گاهی ۱۸۰ درجه عوض بشویم؛ کمااینکه می‌بینید که از این قبیل هست؛ هدایت الهی مانع از این گمراهی‌ها است.

- وَ کُلُّکُم عائِلٌ اِلّا مَن اَغنَیت؛

[در ادامه حدیث می‌فرمایند] همه شما فقیر و تهیدستید، مگر آن کسی که من او را غنی کنم. غنا را هم از خدای متعال باید خواست؛ دنبال غنا به درِ خانه این و آن نباید رفت. این را ما یاد بگیریم که به خاطر غنا، دنبال این و آن نیفتیم. گاهی اوقات انسان به طمع غنا دنبال این و آن می‌افتد و هیچ کدام -نه محبّت آنها و نه غنا- گیرش نمی‌آید و آن نور توحیدی را که خدای متعال در دل انسان قرار داده از دست می‌دهد.

- وَ کُلُّکُم هالِکٌ اِلّا مَن اَنجَیت؛

و اگر چنانچه من شما را نجات ندهم، همه شما در وادی هلاکت خواهید افتاد.

- فَاسأَلونی اَکفِکُم وَ اَهدِکُم سَبیلَ رُشدِکُم؛

نتیجه این است که از من بخواهید، دعا کنید؛ این ترغیب به دعا کردن است. ما دعا را دستِ‌کم نباید بگیریم، خواستن از خدای متعال را دستِ‌کم نباید بگیریم. هر چه هم بتوانید این دعا را، این درخواست از ساحت پروردگار را در یک فضایی انجام بدهید که حال خوشی برای شما وجود داشته باشد، زمینه برای تضرّع فراهم باشد؛ در دعا هست: لا یُنجی مِنکَ اِلّا التَّضَرُّعُ اِلَیک؛ و مرا جز زاری به سوی تو و در برابر تو نجات نمی‌بخشد[4] [باید] تضرّع را بتوانیم انجام بدهیم؛ تضرّع خیلی چیز پُرقیمتی است که انسان بتواند پیش خدای متعال تضرّع کند. اگر پیش خدای متعال تضرّع کردید، آن وقت پیش قدرت‌های پوشالی، قدرت‌های اسمی، نمایش‌ها و نمودارهای دروغین قدرت، می‌توانید سرتان را بالا بگیرید و تضرّع نکنید. اگر پیش خدا تضرّع نکردیم، آن وقت در مقابل قدرت‌های پوشالی احساس ضعف می‌کنیم، احساس می‌کنیم که بایستی از آنها کمک بخواهیم. [خدا می‌فرماید: من می‌توانم] شما را حفظ کنم و نگهداری کنم و مانع بشوم از اینکه بلایا به سمت شماها سرازیر بشود؛ از من بخواهید تا شما را هدایت کنم. این [روایت] دعوت به دعا است؛ همچنان که در قرآن هم دعوت شده‌ایم و امر شده است که ما دعا کنیم، سؤال کنیم، از خدا بخواهیم و این همه در دعاهای فراوان این معانی آمده، این روایت هم در همین معنا است.

شرح حدیث در ابتدای درس خارج فقه، ۱۳۹۷/۰۱/۱۹-

۱) امالی (طوسی)، مجلس ششم، ص ۱۶۶؛
۲) سوره ضحی آیه ۷؛
۳) مصباح التهجّد، ج ۱، ص ۳۶۶ (با اندکی تفاوت)؛
۴) صحیفه سجّادیه، دعای چهل‌وهشتم (با اندکی تفاوت).

* پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

در محضر امام خمینی(ره)

کشور، مشروطه است و مجلس دارد

در نیمه دوم سال ۱۳۳۸ مبارزات انتخاباتی آمریکا آغاز شد. شاه می‌دانست که در صورت پیروزی دموکرات‌ها در آمریکا، اصلاحات اقتصادی، سیاسی مورد نظر آنها به هر صورت انجام خواهد شد، لذا در گرماگرم مبارزات انتخاباتی آمریکا، دکتر اقبال، نخست‌وزیر فراماسون وقت، «لایحه تحدید مالکیت» را در آذرماه آن سال به مجلس برد. آیت‌الله بروجردی که می‌دانست هدف از این اقدام، کم کردن فشار سیاسی آمریکاست و منافع واقعی دهقانان در نظر گرفته نخواهد شد، نامه اعتراض‌آمیزی به مجلس نوشته و لایحه را «خلاف اسلام و شریعت» دانست و تأکید کرد که با آن مخالفت خواهد کرد. علی‌رغم مخالفت آیت‌الله بروجردی، این لایحه پس از جرح و تعدیل زیاد مجلس در ۲۶ اردیبهشت سال ۳۹ از تصویب مجلس سنا گذشت، ولی پس از آن مسکوت ماند. شاه که از نافرجام ماندن لایحه به‌شدّت ناراحت شده بود نامهٔ تندی به آیت‌الله بروجردی نوشت و ایشان را برخلاف معمول، «حجت‌الاسلام» نامید و اعلام کرد: «ما دستور دادیم قانون اصلاحات ارضی، مثل سایر ممالک اسلامی اجرا شود.» آیت‌الله بروجردی از امام و چند نفر دیگر از بزرگان حوزه دعوت کرد تا برای دادن پاسخ مناسبی به شاه نزد ایشان بیایند. پس از تشکیل جلسه، آیت‌الله بروجردی نامه شاه را به افراد جلسه و از جمله امام نشان داد. برخی ناراحت شدند و برخی دیگر از روی‌ترس، نظری ابراز نکردند، ولی امام با اشاره به عبارت «ما دستور دادیم...» که در نامه شاه آمده بود به آیت‌الله بروجردی پیشنهاد کرد که «شما نیز قاطعانه بنویسید: «این خلاف قانون اساسی است.» شاه چه حقی دارد بگوید: «ما دستور دادیم.» کشور، مشروطه است و مجلس دارد.»

* زندگینامه سیاسی امام خمینی (س)، صص ۲۳۴ و ۲۳۵.

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خمیازه کشیدن در نماز

س) آیا خمیازه یا آه کشیدن در نماز اشکال دارد؟

ج) صداهایی که بر اثر سرفه و عطسه و صاف کردن حنجره از انسان صادر می‌شود، حتی اگر حرف از آن تولید شود، نماز را باطل نمی‌کند.

واسطه شدن کودک در اتصال جماعت

س) آیا حضور کودک نابالغ در صف نماز جماعت، مانع اتصال است؟

ج) اگر واسطه اتصال در جماعت، کودک نابالغ باشد، چنانچه بدانند نماز او صحیح است، می‌توانند اقتدا کنند و به جماعت نماز بخوانند.

علل رواج فسق در جامعه اسلامی

حسین‌علی شریعتی

چرا جامعه‌ای میل به گناه پیدا می‌کند؟ چرا مردم گرایش پیدا می‌کنند تا گناهان علنی و آشکاری داشته باشند و بی‌حجاب شوند یا رباخواری کنند، گران فروشی و کم فروشی داشته باشند، دروغ بگویند، با نامحرم دست بدهند، زنا بکنند، عفت و بی‌حیایی پیشه کنند، بر کارهای زشت خود سرپوش نگذارند و حتی به ترویج و تشویق یکدیگر بپردازند و هر کسی بکوشد تا از دیگری در این امور پیشی بگیرد؟ نویسنده با مراجعه به آموزه‌های قرآن درصدد تحلیل و تبیین چرایی این شیوه و سبک زندگی در میان مردمان بویژه در یک جامعه اسلامی است.

***

فسق، پرده‌دری آشکار از گناه و زشتی

یکی از اصطلاحات قرآنی فسق است. فاسق کسی است که میل به گناه داشته و آن را علنی می‌سازد و آشکارا آن را انجام می‌دهد. شاید بارهای شنیده باشید که کسی بگوید: تیغ زدن ریش فسق است یا فلان زن فاسق است.

در زبان فارسی برای فاسق واژگانی چون نابکار، هرزه، فاجر، بداخلاق، فاسد، ناپسندکار، شهوت پرست، خطاکار و مانند آن به کار می‌رود تا این معنا و مفهوم فسق و فاسق به فارسی زبان منتقل شود.

فسق در زبان عربی، در اصل به معنای «خروج هسته خرمای تازه از پوست خود» است و گفته می‌شود فسقت النواه و این زمانی رخ می‌دهد که رطب از شاخه درخت نخل سقوط می‌کند، هسته از درون آن به خارج می‌پرد.

البته برخی گفته‌اند که فسق به معنای برآمدن پوست خرماست؛ برخی از خرماها طوری است که پوست از گوشت آن بر می‌آید و به سادگی پوست از گوشت جدا می‌شود و ارتباط خود را با خرما از دست می‌دهد یا به تار مویی به آن متصل است.

این‌که به شخصی فاسق می‌گویند به سبب آن است که همانند خرما پوست خویش را می‌اندازد و باطن زشت خویش را آشکار می‌کند؛ پس به تمام کسانی که لباس طاعت پروردگار را از تن در آورده و از راه و رسم بندگی خارج شده‌اند فاسق گفته شده است. در حقیقت همان گونه که هسته خرما به هنگام بیرون آمدن، آن قشر شیرین و مفید و مغذی را رها می‌سازد، آنها نیز با اعمال خود تمام ارزش و شخصیت خویش را از دست می‌دهند؛ یا اینکه همانند خرمایی است که پوست و جامه و پوشش خود را رها کرده و گوشت عریان و لخت خود را آشکار می‌کند، به طوری که هر حشره‌ای به‌سادگی به آن گوشت دسترسی پیدا کرده و خاک و کثافت بر آن می‌نشیند.

واژه فسق درباره انسان، در حقیقت بیانگر خروج گنهکار از مدار اطاعت و بندگی خداست که با گناه، خود را از حریم و حصار فرمان الهی بیرون آورده و در نتیجه بدون قلعه و حفاظ مانده است. کسی که چون خرما پرده‌دری می‌کند و پوست خودش را از دست می‌دهد، بی‌جامه و لباس است، همان لباسی که بر اساس آموزه‌های قرآنی هم عامل حفظ و نگه‌داری است و هم موجب زیبایی.(اعراف، آیه ۲۶)

بر اساس آیات قرآنی، تقوا همانند جامه‌ای است که انسان بر تن می‌کند و موجبات حفظ و نگه‌داری خود، پوشیدن زشتی‌ها و بدی‌ها و نشان دادن زیبایی خویش را فراهم می‌آورد. پس پرده‌دری موجب می‌شود تا همه این‌ها را از دست دهد.(همان)

بیشترین کاربرد فسق درباره مسلمانانی است که با اعتقاد به راستی و درستی اسلام و حقانیت آن بر خلاف آموزه‌های وحیانی اسلام عمل و پرده‌دری می‌کنند.

پس اگر بخواهیم برای این واژه معادلی ارائه دهیم شاید بتوان گفت که پرده‌دری بهترین واژه در زبان فارسی است؛ زیرا این معنا همانند افتادن پوست خرما و کنار رفتن پرده‌ای است که بر آن افتاده است. بنابراین کسی که فسق می‌ورزد نسبت به اصول اخلاقی و قانونی پرده‌دری روا می‌دارد و زشتی‌های اعمال خویش را بی‌هیچ پوششی، آشکار می‌سازد.

در اصطلاح قرآنی فسق به معنای خروج از اطاعت، دین، استقامت و راه مستقیم الهی به کار رفته است. پس شخص فاسق کسی است که با رفتار ضداستقامت و راستین خویش و خروج از دین و اطاعت خدا، چهره زشت معصیت و تباهکاری خویش را آشکار می‌کند.

به عنوان نمونه فسق در کتب لغت و فرهنگ‌های عربی و قرآنی این گونه معنا شده است: فسق به معنای میل به گناه (ترتیب کتاب العین، ج ۳، ص ۱۳۹۶، «فسق»)، عصیان، ترک امر خدا و خروج از طریق حق(لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۶۲ - ۲۶۳، «فسق») و خروج از محدوده شرع است و نوعاً فاسق بر کسی اطلاق می شود که ملتزم و مقرّ به حکم شرع باشد و خلاف آن عمل کند.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۶۳۶ ، «فسق»)

از تعریفی که راغب به دست داده می‌توان دریافت که فاسق در حوزه رفتار مسلمانان سست ایمان بروز و ظهور می‌کند؛ به این معنا که افراد و جامعه‌ای به اموری اعتقاد دارند ولی بر خلاف آن عمل می‌کنند. پس رفتار کافران و مشرکان را نمی‌توان رفتار فاسقانه دانست؛ زیرا آنان اگر رفتار زشت و بد انجام می‌دهند بر اساس اعتقاد خودشان است؛ اما کسی که مسلمان است و برخلاف اعتقاد خود رفتار می‌کند و به نابهنجاری و زشت کاری و گناه به طور علنی می‌پردازد در حقیقت چون خرمایی است که پوست و جامه تقوایی خود را کنار انداخته است.

بر اساس آیات قرآنی، تقوا همانند جامه‌ای است که انسان بر تن می‌کند و موجبات حفظ و نگه‌داری خود، پوشیدن زشتی‌ها و بدی‌ها و نشان دادن زیبایی خویش را فراهم می‌آورد. پرده‌دری موجب می‌شود تا همه این‌ها را از دست دهد.

اتراف و رفاه‌طلبی و سرمستی از امکانات و برخورداری بیش از اندازه از رفاه و آسایش در زندگی دنیوی، زمینه فسق‌ساز است. بسیاری از کسانی که در جامعه نابهنجاری را دامن می‌زنند و پرده‌دری می‌کنند و یا کارهای زشت دیگری را به طور علنی و آشکار انجام می‌دهند از قشر رفاه‌زده و متنعم هستند.

چرایی فسق و پرده‌دری مسلمان

چرا یک مسلمان با آنکه اعتقاد به قیامت و حقانیت دین و آموزه‌های آن برای رسیدن به سعادت ابدی و رهایی از خشم و دوزخ الهی دارد، باز مرتکب فسق می‌شود و جامه تقوا را از تن بیرون می‌کند و رفتارهای زشت و نابهنجار علنی در پیش می‌گیرد؟

قرآن در پاسخ به این پرسش روشن می‌کند که فسق مسلمانان به سبب اموری است که بدان گرفتار هستند یا می شوند؛ یعنی برخی از امور است که مسلمانان را به جای پیشه کردن تقوا به فسق سوق می‌دهد و آنان را دچار آن می‌کند.

مهم‌ترین علل و عوامل پرده‌دری مسلمانان امور زیر است:

۱- رفاه: اتراف و رفاه‌طلبی و سرمستی از امکانات و برخورداری بیش از اندازه از رفاه و آسایش در زندگی دنیوی، زمینه فسق‌ساز است. بسیاری از کسانی که در جامعه نابهنجاری را دامن می‌زنند و پرده‌دری می‌کنند و یا کارهای زشت دیگری را به طور علنی و آشکار انجام می‌دهند از قشر رفاه‌زده و متنعم هستند. با نگاهی گذرا به جامعه رفاه‌زده و به اصطلاح شمال شهری‌ها می‌توان دریافت که مرفهان بی‌درد هستند که جامعه را به سمت و سوی پرده‌دری و فسق سوق می‌دهند و به تشویق و ترغیب دیگران به بی‌حیایی و پرده‌دری می‌پردازند.

۲- قضاوت ناحق: از دیگر علل فسق و پرده‌دری، قضاوت ناحق و نادرست در حق دیگران یا مسائل اجتماعی است. کسانی که بر اساس عقل و شرع حکم نمی‌کنند و بر اساس سنت‌ها و رسوم به داوری می‌پردازند، احکام ناحق را صادر می‌کنند. این افراد حتی ممکن است که از اهل کتاب یا اهل اسلام باشند ولی به جای اسلام و کتاب‌های وحیانی به منابع دیگری مراجعه کرده و بر اساس آن قضاوت می‌کنند. این گونه است که دچار فسق شده و مسیر نابهنجاری را می‌پیمایند و جامه تقوا را از تن بیرون می‌آورند و پرده‌دری می‌کنند.(مائده، آیه ۷۴)

۳- فراموشی خدا: بر اساس آموزه‌های قرآنی فراموشی خدا، مایه فسق و انحراف از حق است.

اما از آیاتی چون ۸۱ و ۸۲ سوره آل عمران به دست می‌آید که اهل کتاب و کافران و مشرکانی که به تکذیب دعوت پیامبر(ص) می‌پردازند نیز فاسق هستند؛ همچنین از آیه ۵۵ سوره نور به دست می‌آید که مرتدان نیز از مصادیق فاسقان هستند. با این همه بیشترین کاربرد فسق درباره مسلمانانی است که با اعتقاد به راستی و درستی اسلام و حقانیت آن بر خلاف آموزه‌های وحیانی اسلام عمل و پرده‌دری می‌کنند. واژه فسق و مشتقات آن ۵۴ بار در قرآن در همین معنای اخیر که راغب اصفهانی بیان کرده، به کار رفته است.

کسی که خدا را فراموش کند دچار پرده‌دری و فسق می‌شود. این که منافقان گرفتار فسق می‌شوند از آن‌روست که خدا را فراموش کرده و او را در زندگی و سبک و شیوه زیست خود در دنیا ندیده می‌گیرند.(توبه، آیه ۶۷)

۴- کفران نعمت: یکی از مهمترین عوامل فسق در جامعه کفران نعمت بویژه نعمت ولایت و حکومت و حاکمیت مومنان است. خداوند بصراحت در آیه ۵۵ سوره نور می‌فرماید کفران حاکمیّت مؤمنان، برخاسته از روحیه فسق و تبهکاری است و از همین روست که ارتباط تنگاتنگی میان کفران نعمت ولایت و فسق وجود دارد. در جامعه امروز اسلامی وقتی به فاسقان نگاه می‌شود کسانی هستند که دل به حکومت و حاکمیت اغیار داشته و از حکومت و حاکمیت مومنان ناخرسند بوده و کارهایی می‌کنند که این حکومت تضعیف و یا از میان برود. جامعه امروز اسلامی دچار نوعی کفران نعمت نسبت به حاکمیت ایمان و مومنان است. از این رو فسق و فجور در آن از سوی برخی دامن زده می‌شود.

۵- مخالفت با رهبری و اسلام: از دیگر علل و عوامل رواج و گسترش فسق در جامعه، گرایش به مکاتب و آیین‌هایی چون لیبرالیسم و سوسیالیسم و مانند آن است. کسانی که دل در گرو مکتب سکولار دارند، با هر گونه حاکمیت و حکومت اسلامی و رهبری مومنان مخالف می‌ورزند. لذا که فسق را در جامعه گسترش می‌دهند تا به اهداف خود برسند. اینانی که به مخالفت با اسلام و رهبری می‌پردازند، نمی‌خواهند تا احکام و آیین‌های اسلامی و ارزش‌ها و هنجارهای آن نهادینه شود. خداوند در آیات ۴ و ۵ سوره حشر می‌فرماید: جبهه‌گیری در برابر اسلام و مخالفت با خدا و رسول(صلی‌الله علیه وآله)، عامل فسق آدمی است. از آیات ۴۹ تا ۵۳ سوره توبه و ۲۱ تا ۲۵ سوره مائده نیز برمی‌آید که سرپیچی از رهبری و فرمان‌های ولایت چگونه زمینه‌ساز فسق در افراد جامعه می‌شود و آنان را اندک اندک از مسیر هدایت و صراط مستقیم دور می‌سازد.

۶- عهدشکنی: از دیگر عوامل پرده‌دری از سوی برخی در جامعه، عهدشکنی و پیمان‌شکنی است. خداوند در آیات ۲۶ و ۲۷ و ۹۹ و ۱۰۰ سوره بقره و ۸۱ و ۸۲ سوره آل عمران و ۱۰۲ سوره اعراف و نیز آیه ۸ سوره توبه عهدشکنی افراد را مایه فسق و تبهکاری آنان معرفی می‌کند. اینان که حتی به اصول اخلاقی ابتدایی چون وفاداری پایبند نیستند و برخلاف تعهدات خویش عمل می‌کنند، گرایش به پرده‌دری و فسق و فجور دارند. از این رو خداوند این افراد را در جرگه پرده‌دران و فاسقان یاد می‌کند.

۷- ضرررسانی به دیگران: از دیگر عواملی که موجب فسق و فجور می شود، عدم مراعات حقوق دیگران و ضرررسانی به آنان است. این افراد اگر به عنوان نویسنده قرارداد و وصیت یا شاهد این امور تعیین شوند، بر اساس حق نمی‌نویسند و شهادت نمی‌دهند. این‌گونه است که به دیگران ضرر و زیان می‌رسانند و حتی گاه خودشان نیز سودی نمی‌برند. چنین افرادی گرایش به پرده‌دری و فسق و تبهکاری دارند.(بقره، آیه ۲۸۲)

۸- تضییع حقوق: تضییع حقوق دیگران، از عوامل فسق و تبهکاری است که آیه ۲۸۲ سوره بقره به آن اشاره دارد. در حقیقت بسیاری از مشکلات جامعه و پرده‌دری‌ها و نابهنجاری‌های علنی ریشه در تضییع حقوق دیگران دارد. به عنوان نمونه بسیاری از مردم بی‌توجه به حقوق دیگران صدای ابزارهای صوتی خود را بلند می‌کنند و یا بی‌توجه به حقوق دیگران کوچه و برزن را با زباله‌ها آلوده می‌سازند.

۹- دنیاطلبی: شکی نیست که دنیاطلبی، انسان را از آخرت‌گرایی بازمی‌دارد و زمینه هرگونه فسق و تبهکاری و فجور را فراهم می‌آورد؛ زیرا برای این افراد دنیا اصالت دارد و هیچ گرایشی به آخرت ندارند و اگر هم باشد به عنوان یک هدف دست چندم مطرح است. خداوند در آیه ۲۰ سوره احقاف دلبستگی به دنیا را از عوامل تمایل انسان به فسق و پرده‌دری معرفی می‌کند. خداوند در آیه ۲۴ سوره توبه می‌فرماید دنیاطلبی و ترجیح تعلّقات مادّی بر محبّت خدا و رسول(ص)، زمینه فسق و دوری از حق در بسیاری از مردم می‌شود.

۱۰- بدعت: از دیگر عوامل انحراف از صراط حق و دین و گرایش و میل به فسق و گناه و تبهکاری و پرده‌دری بدعت است؛ بدعت به معنای نسبت دادن چیزی به دین در حالی که جزو احکام دین نیست. به عنوان نمونه رهبانیت در مسیحیت موجب شد تا کشیشان و راهبان و راهبه‌ها نه تنها از خدا و دین دور شوند، بلکه گرفتار فسق و فجوری چون زنا و لواط و مساحقه شوند. امری که اکنون جامعه کاتولیک را تهدید می‌کند و کودک‌آزاری در میان کشیشان مسیحی بشدت رواج دارد و گزارش‌های وحشتناکی به میزان یک از هزار در این زمینه منتشر شده است. (حدید، آیه ۲۵)

۱۱- انحراف جنسی: انحرافات جنسی، عامل فسق و تبهکاری است.(انبیاء، آیه ۷۴) اگر مرد و زنی گرفتار انحراف جنسی شود در فرآیندی، چنان به فسق و فجور گرفتار می‌شود که نه تنها خود را به تباهی می‌کشاند بلکه غیر از فساد، مفسد نیز می‌شود و جامعه را به تباهی سوق می‌دهد.

۱۲- ترویج منکرات: کسانی که خود اهل منکر نیستند، ولی در برابر آن سکوت می‌کنند یا در رسانه‌ها، به ترویج آن مشغول می‌شوند در فرآیندی خود نیز گرفتار فسق و پرده‌دری می‌شوند. به این معنا که نخست ممکن است که در برابر منکرات سکوت کنند، ولی پس از آن در زبان به ترویج آن مانند بی‌حجابی و بدحجابی می‌پردازند و در نهایت خود و خانواده‌شان گرفتار فسق و پرده‌دری عملی و علنی می‌شوند.(توبه، آیه ۶۷)

در اصطلاح قرآنی فسق به معنای خروج از اطاعت، دین، استقامت و راه مستقیم الهی به کار رفته است. پس شخص فاسق کسی است که با رفتار ضداستقامت و راستین خویش و خروج از دین و اطاعت خدا، چهره زشت معصیت و تباهکاری خویش را آشکار می‌کند.

اینها تنها گوشه‌ای از عواملی است که قرآن به عنوان علل فسق و پرده‌دری بیان کرده است. همین نمونه‌ها و مصادیق به خوبی روشن می‌سازد که چگونه اموری ساده گام به گام انسان را به بی‌پروایی و پرده‌دری و فسق سوق می‌دهد.

حقیقت حذر از آخرت

انسان خردمند کسی است که نسبت به آخرت خویش هراسان و ترسان است؛ این همان حالتی است که در قرآن به آن «حذر» می‌گویند. در فارسی نیز می‌گویند: از فلان چیز برحذر باش! این به معنای پرهیز و ترس همراه با هوشیاری است تا در دامی نیفتد که برایش خطرآفرین است. این افراد خود را در «حرز» می‌برند و احتراز می‌کنند؛ یعنی در مأمن و پناهگاهی قرار می‌دهند که آسیبی به آنان نرسد.

از نظر قرآن، کسانی که از آخرت خویش «حذر» دارند، برای نماز شب بیدار می‌شوند و با تهجد شبانه می‌کوشند تا از اخطار آخرت درامان باشند: هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّیلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا یَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَیَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ؛ او قانت و مطیع محض در طول شب به سجده و قیام است و از آخرت برحذر است و امید به رحمت پروردگارش دارد.(زمر، آیه ۹) چرا که چنین افرادی «أُولُوالْأَلْبَابِ» هستند و از ظاهر و پوسته گذشته و مغز و باطن اشیا از جمله دنیا را شناخته‌اند و متذکر آخرت شده‌اند.(همان)

در حقیقت اینکه گفته شده: برحذر باش! در اینجا به این معنا است که از آخرت اعمال خویش هراسان باش و با هوشیاری خود را در پناهگاه خاص درآر!

قرآن تاکید می‌کند که مومنان از آخرت خویش برحذر هستند و می‌ترسند که اعمالی نداشته باشند که در آخرت کارساز باشد؛ با این همه با اینکه از خود و اعمال خویش نومید هستند و آن را چیزی نمی شمارند، ولی امید به خدا دارند، زیرا این امید ایشان چون با عمل نیک همراه است، آرزوی بی‌پایه و بی‌بنیاد نیست.

به هر حال، مومنان به شکل دائم از آخرت خویش حذر می‌ورزند؛ این حذر نسبت به اعمالشان است نه اینکه نسبت به خدا خوف داشته باشند، بلکه از خودشان و اعمال نیم‌بند خویش می‌هراسند و نسبت به آن حذر دارند.

چراغ راه

عقل و دینداری

قال‌النبی(ص): «دین المرء عقله، و من لا عقل له لا دین له»

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: دین (و دینداری صحیح) آدمی به عقل و خرد او است، هر کس که عقل ندارد، (در واقع) دین (و دینداری درستی) ندارد.[1]

۱- نهج‌الفصاحه، حدیث ۱۵۸۱

حکایت خوبان

شیعه واقعی پیرو اعمال است

مردی به رسول خدا(ص) عرض کرد: یا رسول‌الله! فلانی در منزل همسایه‌اش نگاه حرام می‌کند و اگر بتواند به دنبال آن کار حرامی انجام دهد، انجام می‌دهد. رسول خدا(ص) خشمگین شد و فرمود: او را نزد من بیاورید. مرد دیگری که در آنجا حضور داشت عرض کرد: یا رسول‌الله! او از شیعیان شما است که به ولایت شما و علی(ع) اعتقاد دارد و از دشمنان شما بیزار است. رسول خدا(ص) فرمود: نگو او از شیعیان ما است. این یک دروغ است. شیعه ما کسی است که دنباله‌روی ما باشد و از اعمال ما پیروی کند و این کارهای او که نام بردی از اعمال ما نیست.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۵

پرسش و پاسخ

جنگ نرم در عصر پیامبر(ص) (۱)

پرسش:

دشمنان اسلام در زمان پیامبر گرامی(ص) از چه تکنیک‌هایی در جنگ نرم علیه پیامبر (ص) استفاده می‌کردند؟ آیا این شیوه و تکنیک‌ها در حال حاضر هم کارایی دارد و دشمنان کینه‌توز از آنها علیه اسلام استفاده می‌کنند؟

پاسخ:

وجه اشتراک و افتراق شیوه‌های جنگ نرم با پیامبر(ص)

تکنیک‌ها و روش‌هایی که دشمنان اسلام در جنگ نرم علیه پیامبر خدا(ص) در پیش گرفته بودند از بیست مورد تجاوز می‌کند. این شیوه‌ها گاه مشترک بین همه دشمنان اسلام است، و گاه در جبهه خاصی مثل منافقان یا یهودیان جریان دارد. امروزه بسیاری از این تکنیک‌ها و شیوه‌ها را استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و دشمنان کینه‌توز اسلام علیه مسلمانان و اسلام ناب به کار می‌گیرند.

احساس خطر دشمنان اسلام

دشمنان اسلام از سه جهت درباره مسلمانان احساس خطر می‌کردند: یکی از جانب شخص و شخصیت رسول خدا(ص) و دیگر از سوی قرآن کریم. و سوم از حیث شکل‌گیری جامعه دینی و اسلامی.

پیامبر گرامی(ص) با آن خلق عظیم و شهره در امانتداری و پاکدامنی که به امین شناخته می‌شد، قدرت جذب بالای مخاطب را داشت.

از طرفی قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی بر دل‌های مخاطبان می‌نشست و ارواح آنها را مسخر خود می‌ساخت و قدرت جذب و تاثیرگذاری بالایی بر آنها داشت. از این رو دشمنان اسلام تصمیم گرفتند پیامبر اکرم(ص) و قرآن را از سر راه خود بردارند و آنها را از اعتبار ساقط و منزوی نمایند. در اینجا اهم سرخط تکنیک‌هایی که دشمنان اسلام علیه پیامبر اکرم(ص) و قرآن کریم در جنگ نرم به کار می‌گرفتند را به نحو اجمال اشاره می‌کنیم:

الف) ترور شخصیتی پیامبر (ص)

در این تکنیک دشمنان شخصیت و قدرت نرم پیامبر(ص) را هدف‌گیری کرده و در مقام تحقیر و بی‌اعتبارسازی آن حضرت برای کاستن از نفوذ و جذب قلوب مخاطبان اقداماتی را به شرح زیر انجام می‌دادند.

۱- استهزاء

استهزاء در لغت به معنای مسخره کردن، طلب ریشخند و تمسخر و طلب تحقیر با هر وسیله‌ای آمده است. (انبیاء - ۳۶)

آری مشرکان و کافران و منافقان با روش‌های گوناگونی آن حضرت را مسخره می‌کردند و به وجود قدسی‌اش اهانت روا می‌داشتند.

۲- اتهام‌زنی

شیوه دیگر جنگ نرم دشمنان علیه پیامبر(ص) اتهام‌زنی بود. آنها با این تکنیک بر آن بودند تا ساحت قدسی پیامبر(ص) را مخدوش کنند و رسالت الهی او را خنثی و بی‌اعتبار سازند. (ذاریات - ۵۲) اتهام جنون، اتهام سحر و جادو و اتهام دروغگویی و افترا و اتهام شعر و شاعری و کهانت از جمله اتهاماتی بود که آنها علیه پیامبر(ص) به کار می‌گرفتند.

۳- کتمان رسالت پیامبری

یهودیان با علم به رسالت نبی اکرم(ص) و حقایق اسلام نه تنها به کتمان حقایق می‌پرداختند، بلکه از پذیرفتن آن سر باز می‌زدند و به مبارزه با آن حضرت برمی‌خاستند. (بقره - ۱۴۶)

۴- معجزه‌طلبی افراطی

دشمنان پیامبر(ص) برای تخریب شخصیت آن حضرت به انکار معجزات آشکار آن حضرت شامل: قرآن و شق‌القمر پرداختند و در مقابل معجزات نامعقولی را از پیامبر(ص) طلب می‌کردند. (قصص - ۴۷)

۵- مبارزه علمی

تکنیک مبارزه علمی برای شکست دادن پیامبر(ص) در جنگ نرم علیه آن حضرت بود. مشرکان افرادی را نزد یهودیان که اطلاعات خوبی درباره پیامبران داشتند فرستادند تا راهکارهای مبارزه علمی را علیه پیامبر(ص) از آنها بیاموزند. داستان اصحاب کهف، موسی و خضر، ذوالقرنین و یأجوج و مأجوج از جمله مسائلی بود که دانشمندان یهود به مشرکان آموختند تا در جنگ نرم علیه رسول خدا(ص) به احتجاج برخیزند.

۶- مذاکره و سازش

تکنیک مذاکره و سازش از سوی مشترکان برای جلوگیری از نفوذ رسول خدا(ص) در دل‌ها در جنگ نرم علیه آن حضرت به کار گرفته شد که تاثیر زیادی بر پیامبر(ص) گذاشت و خداوند آن حضرت را به شدت از طرح پیشنهادی سازش با مشرکان برحذر داشت.(اسراء - ۷۳ و ۷۴)

۷- اهانت، دشنام و آزار پیامبر(ص)

ابولهب عموی پیامبر(ص) و همسرش ام جمیل از کسانی بودند که نسبت به رسول خدا(ص) از هیچ آزار و هتک حرمتی فروگذار نکردند. ام‌جمیل علیه پیامبر(ص) شعر می‌سرود و سر راه آن حضرت هیزم می‌ریخت. یهودیان نیز همچون مشترکان در جنگ نرم علیه شخصیت پیامبر(ص) و منزوی ساختن آن حضرت با تکنیک اهانت و دشنام و آزار تلاش فراوان داشتند که کعب ابن اشرف از چهره‌های شاخص آنها بود و حضرت دستور قتل او را صادر کرد. (مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۹۰۳)

۸- تحریف سخنان پیامبر(ص)

تکنیک تحریف از ویژگی‌های خاص یهودیان بود که سخنان پیامبر(ص) را تحریف لفظی و معنوی کردند و در جنگ نرم علیه آن حضرت استفاده می‌کردند (نساء -۴۶)

ب) تحریم شدید اقتصادی و اجتماعی

تکنیک تحریم و بایکو